



یادداشت

بازگشت پیروزمندانه جنبش به خیابان در قالبی نو!

صادق کار



امروز سه شنبه ۱۶ اسفند گروه های وسیعی از معلمان، دانشجویان، زنان، بازنشستگان، اولیای دانش آموزان و فعالان جنبش ها های اجتماعی و مدنی به فراخوان شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران برای شرکت در اعتراض سراسری پاسخ مثبت دادند و در ده ها شهر کشور راهی خیابان ها شدند تا همبستگی و عزم استوار خود برای آزادی، برابری و عدالت اجتماعی را مورد تاکید مجدد قرار دهند و انزجار و اعتراض خود نسبت به حملات شیمیایی به دختران دانش آموز و عدم پیگیری عوامل تروریست و جنایتکار حملات را اعلام و پیگرد آنان را خواستار شوند.

طبق گزارشات تاکنون منتشر شده، تظاهرات امروز در شهرهای، سنندج، بابل، شیراز، اصفهان، مشهد، اهواز، کرج، تهران، کاشمر، سقز، الیگودرز، هرسین، قزوین، نورآباد ممسنی، سجاسرود زنجان، آبدانان، بوشهر، همدان، جلفا، کازرون، نیشابور، شیروان، تاکستان، بجنورد، ساری، به رغم قرق محل های تجمع ها توسط گارد ویژه و دیگر نیروهای امنیتی با موفقیت برگزار شده است.

به رغم مسالمت آمیز بودن تجمعات در بعضی از شهرها نیروهای لباس شخصی و امنیتی حمله ور و ده ها نفر از تظاهر کنندگان را دستگیر و تعدادی را نیز زخمی کردند.

تظاهرات امروز در واقع بازگشت پیروزمندانه جنبش زن، زندگی، آزادی به خیابان پس از یک تنفس کوتاه در قالبی نو و موثرتر با مطالبات ایجابی در راستای تحقق مطالبات جنبش و آغازی است برای فراهم کردن ملزومات اجرایی کردن منشور ۱۲ گانه اخیر ۲۰ تشکل مدنی و دموکراتیک که شورای هماهنگی تشکل های فرهنگیان خود یکی از امضا کنندگان و اجزا مهم آن است.

مبارزه متحدانه برای توقف اعدام ها و آزادی کلیه زندانیان سیاسی را تشدید کنیم!

ما از جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی حمایت می کنیم!

همه با هم علیه سرکوب جنبش انقلابی سراسری متحدانه مبارزه کنیم!



تضمین اشتغال یا درآمد حداقل؟ بخش ششم
کار و درآمد در کشورهای در حال توسعه
سیکینگز، جرمی



سال ۲۰۱۶ برای اولین بار تعداد جویندگان کار در کره جنوبی از مرز ۱ میلیون گذشت

تجارب تضمین اشتغال و تضمین معیشت در جنوب جهانی - ادامه

قبل از دهه ۱۹۸۰، آفریقای جنوبی و برخی از مستعمرات کوچکتر بریتانیا (موریس، بخشهایی از دریای کارائیب و هنگ کنگ)، تنها کشورهای در حال توسعه ای بودند که در آنها برنامه های تضمین معیشت (تضمین درآمد، تأمین اجتماعی) قابل توجهی وجود داشتند. از دهه ۱۹۸۰ به بعد است که این برنامه ها افزایش یافتند. از آن پس بانک جهانی به حامی پرشور پرداخت نقدی مشروط به خانواده های کم درآمد در (Oportunidades) "در برزیل و "فرصتها (Bolsa Familia) "دارای فرزند - مانند برنامه های "بسته خانواده مکزیکی - تبدیل شده است. در حال حاضر (اواسط ۲۰۰۵) برنامه "بسته خانواده" ۷.۵ میلیون خانواده فقیر، شامل ۳۰ میلیون نفر، را پوشش می دهد، که به هر خانواده ماهانه تا حدود ۴۰ دلار آمریکا پرداخت می شود. در برخی از ایالتها مزایایی هم به این خانواده ها تعلق می گیرند. مثلاً در ایالت شمال شرقی سارا، هر خانواده مجموعاً حدود ۵۲ دلار در ماه دریافت می کند. برنامه "فرصتها" در مکزیکی تا سال ۲۰۰۳ به بیش از ۴ میلیون خانواده (مجموعاً ۲۱ میلیون نفر) پوشش می داد. این برنامه، با اختصاص و صرف واقعی بیش از یک سوم بودجه اش به خانوارهایی در پائینترین دهک درآمدی و سه چهارم کل آن به خانوارهایی در سه دهک پائین درآمدی، سمتگیری درستی متوجه تهیدستان دارد.

علاوه بر این برنامه های "مستمری سالمندی" - که با در نظر داشت تمام منابع درآمد، به هر سالمند فاقد بازنشستگی که درآمدی کمتر از حد معین دارد، تعلق می گیرد - در بسیاری از کشورها معمول شده است. تایوان و کره جنوبی از زمره این کشورها هستند. هنگ کنگ نیز برنامه بازنشستگی موجود خود را با پرداخت مزایای سخاوتمندانه ای به نیم میلیون سالمند تمدید کرد. در دهه ۱۹۹۰ در آسیای جنوبی برنامه مستمری سالمندی (فاقد بازنشستگی)، که البته بخش کوچکی از سالمندان را پوشش می دهد، به میزان زیادی افزایش یافت. در هند، بیش از ۲ میلیون نفر از مستمری سالمندی فاقد بازنشستگی برخوردار اند. هم در هند و هم در نپال، بنگلادش و سریلانکا، میزان این مستمری اندک است (در نپال معادل فقط ۲ دلار آمریکا در ماه است) و مشروط به شرایط آکیدی، از جمله در مورد سن، است. اما شرایط آکید این امکان را فراهم می آورد که این طرحها در آینده گسترش یابند. در برزیل، مستمری سالمندی فاقد بازنشستگی عمدتاً در دهه ۱۹۹۰ گسترش یافت و اکنون به حدود ۵ میلیون سالمند پرداخت می شود.

موج اول برنامه های تأمین اجتماعی در آفریقای جنوبی و جاهای دیگر، در اواسط قرن بیستم از بالا معمول شدند و پاسخی به بحرانهای فقر ناشی از "کشاورزی زدانی" غیرقابل برگشت بودند. بیشتر این اصلاحات در اقتصادهای باز انجام شدند، یعنی در اقتصادهایی که کارفرمایان نمی توانستند هزینه دستمزدهای بالا یا بیمه های اجتماعی را به مصرف کنندگان منتقل کنند و در نتیجه از تأمین اجتماعی از منبع مالیات عمومی



حمایت می کردند. بسیاری از این اقتصادها با کمبود نیروی کار هم مواجه بودند، و این واقعیت زمینه را برای پیشبرد برنامه های تضمین اشتغال نامناسب می کرد. مسئله در این اقتصادها بیکاری نبود، میزان دستمزد بود. موج دوم برنامه های تأمین اجتماعی، در دهه ۱۹۸۰ و بعد از آن، ناشی از رشد جمعیت توأم با کشاورزی زدائی بود، که منجر به افزایش سریع تعداد افراد فقیر در شهرها و/ یا جداشده از زمین شد. و جهانی شدن نیز ممکن است آسیب پذیری بسیاری از گروه ها را در برابر فقر تشدید کرده باشد. لیبرالیزه کردن تجارت نیز سهولت انتقال سهم کارفرمایان برای تأمین اجتماعی را به مصرف کنندگان کاهش داد. در عین حال فشارهای مالی دولت‌ها را، به ویژه در آمریکای لاتین، وادار کرد تا پارانه خود به طرح های بیمه اجتماعی را مورد بازنگری قرار دهند. و مهمتر از همه، دموکراتیزاسیون موجب تقویت تهیدستان نامتشکل در اتحادیه ها شد. احزاب سیاسی برای تقویت پشتوانه انتخاباتی شان به دادن وعده اصلاحات رفاهی به نفع تهیدستان رو آوردند. انتخابات تأمین اجتماعی (تضمین معیشت) را سیاسی کرد. فروپاشی مدل‌های حمایت‌گرایانه توسعه و روی آوردن به اقتصادهای باز می تواند، به نازوا، موجب شود که اصلاحات معیشتی مبتنی بر بودجه مالیاتی آسانتر از اصلاحات مبتنی بر بودجه حاصل از مشارکت شهروندان معمول گردند.

بیشتر طرح‌های تأمین اجتماعی در سال‌های اخیر بر گروه های خاصی از تهیدستان مستحق متمرکز شده اند: سالمندان، خانواده‌های کم درآمد دارای فرزند، یا بیماران استثنائی و معلولان. هیچ برنامه تأمین اجتماعی ای برای بزرگسالان بیکار، توانا به کار و در سن کار وجود ندارد (اگرچه بسیاری از این افراد به طور غیرمستقیم از کمک‌های بلاعوض برای سایر اعضای مستحق تر خانواده خود بهره مند می شوند). برنامه های تضمین اشتغال عموماً پاسخ سیاست‌گذارانه ای با تمرکز بیشتر بر فقر در این گروه از مردمان اند. اما ارائه یک درآمد پایه همگانی می تواند این وضع را تغییر دهد. دولت افریقای جنوبی در سال ۲۰۰۲ کمیته ای را ایجاد کرد (کمیته تایلور) که عهده دار تحقیق در "سیستم جامع تأمین اجتماعی" بود. پیشنهاد این کمیته ارائه درآمد پایه همگانی با رعایت برخی شروط بود. درآمد پایه پیشنهادی در سطح پایینی تعیین می شود: تقریباً معادل ۱۵ تا ۲۰ دلار آمریکا برای هر نفر در ماه، که کمتر از یک پنجم مستمری سالمندی است، اما همگانی خواهد بود. در سال ۲۰۰۴، لولا، رئیس جمهور برزیل نیز قانونی را برای ارائه درآمد پایه همگانی امضا کرد، که می بایست به صورت مرحله ای به اجرا درآید. باین حال این قانون بیشتر حکم یک بیانیه کلی برای سمتگیری را دارد تا یک تعهد صریح به اجرا را. در نامیبیا و آرژانتین نیز رایزنی‌هایی برای درآمد پایه همگانی صورت گرفته اند.

در قرن بیست و یکم، کشورهای در حال توسعه با یک انتخاب واقعی برای مبارزه با فقر، فقر ناشی از بیکاری، مواجه اند. انتخابی بین برنامه تضمین اشتغال یا اصلاحات بنیادی برای تضمین معیشت. در فصول آتی به بررسی این انتخاب با ارجاع به تجربه افریقای جنوبی خواهیم پرداخت.

اتحاد، اعتراض، اعتصاب، نبرد تا رهایی!

نابود باد استبداد و بی عدالتی!

کار، رفاه، آزادی!



عید آمد و باز هم ما لختیم!

صادق



در هفته های اخیر با وجود اینکه مدت کمی به عید مانده چندین اعتراض کارگری را شاهد بودیم که بخاطر نگرفتن دستمزد چند ماهه انجام گرفت. در همین حال و در اوج افزایش همه روزه قیمت کالاهای اساسی و تورم و دلار خبر گزاری ایلنا روز گذشته از روشن نشدن تکلیف افزایش دستمزد سال آینده کارگران خبر داد. این گزارشها مرا به یاد شعر طنزی که عنوان اش، "عید آمد و ما لختیم" بود انداخت. این طنز متعلق به دهه چهل شمسی است اما به نظر می رسد بیشتر از آن دوران وصف حال امروز جامعه ایران باشد. چرا که خیلی از مردم به راستی استطاعت تامین نان شب شان را هم ندارند و کار عدهای به جستجوی غذا میان سطلهای زباله کشیده، تا چه برسد به خرید نیازمندی های عید

با این وصف دولتمردان همچنان می خواهند همین درآمد ناچیز را هم ناچیزتر کنند و برای رسیدن به مقصود از هیچ آزار و اذیتی خود داری نمی کنند. نمونه اش همین کش دادن بحث دستمزد و کاهش عیدی بازنشستگان و حقوق و عیدی کارکنان دولت و ندادن به موقع حقوق هاست

از دیر باز تا کنون مرسوم بوده که در ایام عید مردم لباس نو به تن کنند، پلو و چلو و شیرینی بخورند و ایام عید را در کنار هم بگذرانند. با خرید سنبل و گلهای زیبای بهاری و گذاشتن آن روی سفره هفت سین در کنار سمنو و بقیه سین ها حس و بوی بهار را به درون خانه هایشان بیاورند

متاسفانه اما امسال استطاعت مردم کمتر و سفره های آنان خالی تر و عید شان کم رونقتر شده است. جدا باید گفت سال به سال، دریغ از پارسال

دو هفته پیش وقتی که خبر کاهش عیدی بازنشستگان منتشر شد تا خرج حوزه های علمیه و تبلیغات اسلامی و لباس شخصی ها و عوامل حملات شیمیایی به دختران دانش آموز شود، یکی از بازنشستگان در روزنامه ای نوشت "با این عیدی که نمی شود حتی یک دست کت و شلوار خرید". بسیار دیگری از آنان با آمدن به خیابان در ده ها شهر و فریاد "هزینه ها دلاری حقوق ما ریالی" نسبت به کاهش عیدی، افزایش ۲۰ درصد به حقوق های کارکنان دولت و به جنگولگ بازی های دولتمردان برای سوا کردن حساب و کتاب کارگران و بازنشستگان بخش دولتی به منظور کاهش حقوق و عیدی قانونی اعتراض کردند



در سال گذشته هم خواستند جهت کم کردن دستمزد و عیدی کارگران شاغل در سازمانهای دولتی حساب آنها را بطور غیر قانونی از کارگران تابع قانون کار جدا کنند اما اعتراضات آنقدر شدید شد که آنها را مجبور به عقب نشینی کرد

اعتراضات امسال اما بر خلاف سال گذشته فعلا موثر واقع نشده‌اند و همان افزایش اسمی ناچیز با صعود قیمت دلار قبل از آمدن سال نو دود شد و به هوا رفت

خبرگزاری ایلنا در بحبوحه اعتراضات خیابانی بازنشستگان و کارگران بخش دولتی در هفته جاری از سقوط ارزش دلاری دستمزد کارگران از ۲۵۲ دلار به ۱۲۲ دلار یا به عبارتی نصف شدن قدرت خرید مزد بگیران خبر داد. حالا خودتان افزایش ۲۰ درصدی حقوق ها را که ۳۰ درصد کمتر از نرخ تورم رسمی است با در نظر گرفتن سرعت افزایش تورم و گرانی در کنار هم بگذارید تا حال و روز مزد و حقوق بگیران در دولت مدعی عدالتخواهی را درک کنید

دو هفته بیشتر به عید نمانده منطقا تکلیف افزایش دستمزد کارگران مشمول قانون کار می بایست زودتر از اینها در شورای عالی کار روشن می شد، اما روز گذشته خبرگزاری ایلنا از قول یکی از نمایندگان تشکلهای کارگری حکومتی در شورای عالی کار از بلاتکلیفی چند و چون افزایش دستمزد خبر داد. ظاهرا دعوا هم بر سر میزان تورم و هم سبد هزینه‌های خانوار است که مرز ۲۱ میلیون را پشت سر نهاده است ولی نمایندگان دولت و سازمانهای کارفرمایی حتی حاضر به افزایش دستمزدها مطابق قانون کار هم نیستند

از آن بدتر مصمم هستند افزایش دستمزدها را منطقه‌ای کنند. منطقه‌ای کردن سطح دستمزدها ترفند دیگری است برای کاهش دستمزدها در مناطق محرومتر که هم تبعیض آمیز است و هم در کاهش سطح بیشتر دستمزدها در سراسر کشور اثر منفی به جا می گذارد و به کارفرمایان امکان می دهد دستمزدها را در هر جا که خواستند به بهانه منطقه‌ای بودن کاهش دهند

تمام سالهای حتی در سالهای قبل از انقلاب دولتها و کارفرمایان با استفاده از امکانات و قدرت دولتی در بحث دستمزد با کارگران و حقوق بگیران همین رفتار را کرده‌اند. تنها بهانه هایشان هر سال متفاوت بوده است. امسال حتی برخوردها استثمارگرانه تر از همیشه شده است. اگر وضع به همین شکل بماند سال دیگر هم اگر رفتارشان بدتر نشود، بهتر نخواهد شد. دلیل اصلی این رفتارها غیر متشکل بودن نیروی مزد و حقوق بگیر است. نیروی کار تا وقتی متشکل نشده باشد و متحدانه عمل نکند و تا رژیم فعلی بر سر کار باشد و حتی بعد از سقوط رژیم هم اگر نتواند خود را متشکل کند، آس همین است و کاسه همین و بقیه حرفهایی که می زنند بی معنی و برای سر درگمی است

ایجاد کار برای بیکاران وظیفه دولت است!

به بیکاران باید حقوق پرداخت شود و تحت پوشش تامین اجتماعی قرار داشته باشند!

از مبارزه کارگران برای انحلال شرکتهای پیمانکاری و واسطه ای و علیه قراردادهای موقت تحمیلی حمایت می کنیم!

کمیته های اعتصاب را در کارخانه ها و ادارات تشکیل دهیم!



گرانی و وضعیت جامعه از نگاه یک کارمند بازنشسته

صادق



من منتظر معجزه نیستم. اعتقاد به معجزه ندارم. فکر می‌کنم تغییر اوضاع در دست مردم و مربوط به حرکت آنهاست، اما در اینکه وضع قابل دوام نیست و از دست حکمرانان هم کاری ساخته نیست با آنها هم عقیده هستم.

گاهی فکر می‌کنم که گردانندگان این حکومت آنقدر کودن و نفهم هستند که قدرت تشخیص منافع خودشان و آینده‌ای که در انتظار کشور هستند را هم ندارند و ما با حکومت دیوانگان سر و کار داریم.

سلام، حال و احولتان چگونه؟ بد، خیلی بد، چطور، آقا گرانی، بی پولی، بی چاره‌گی. باید این جا بودی تا میدیدی. حالا که سعادت نداریم در خدمت باشیم شما بگو اوضاع چگونه است. از کجا شروع کنم که سرتان را درد نیآورم و شما را هم غصه دار نکنم. چند روز رفته بودم شهرداری نسبت به ۶ برابر شدن عوارض نوسازی شکایت کنم. پارسال ۳۰۰ هزار تومان بابت عوارض از من گرفتند، امسال ۱.۷۰۰ میلیون خواسته بودند. گفتم چرا گفتند بابت افزایش تورم است. گفتم تورم مگر چند درصد بوده؟ اگر ۱۰۰ درصد هم اضافه شده باشد ۶ برابر که نشده. گفت عمو جان من بیشتر از این نمی‌توانم توضیح دهم روسا از من خواسته‌اند چنین بگویم. گفتم چرا وقتی پای حقوق در میان است تورم را اینجوری حساب نمی‌کنند؟ گفت دست روی دلم نگذار، مثل خودت هستم.

حقوق شما چقدر است ۹ میلیون تومان. با این حقوق می‌توانید زندگی کنید چون خانه دارم و بدهکار بانک نیستم تا یک سال پیش با نان و پنیر می‌شد امورات را گذرانند اما الان نه. دنبال کار دوم می‌هستم ولی هنوز پیدا نکردم. با این سن و سال می‌توانی کار کنی؟ تدریس خصوصی اگر باشد چون سابقه طولانی دارم برایم مشکل نیست. قبلا مدتی این کار را می‌کردم تا بتوانم حمام خانه را مرمت کنم. افزایش ۲۰ درصد حقوق سال آینده فکر می‌کنی بهت چقدر کمک می‌کند؟

تا شب عید هم اگر تاثیرش را از دست ندهد خیلی خوش شانس باید باشیم



برای افزایش حقوق فعالیتی هم کرده‌اید؟

تنها کاری که کرده‌ام شرکت در تجمعاتی بوده که توسط معلمان انجام گرفته است

از افزایش حقوق ات می شنوم که ناراضی هستی، چگونه می شود حقوق ها را به اندازه رضایت بخش بالا برد؟

هیچگاه!

در این حکومت انتظار ندارم که حقوق بازنشسته در حد رضایت بطور منصفانه اضافه شود

چگونه می شود حقوق ها را بالا برد؟

بستگی به زور و توش و توان و تلاش ما دارد

تشکل چقدر نقش دارد؟

خیلی، بیشتر از هر عامل دیگری نقش دارد

راست میگن گوشت کیلویی ۵۰۰ هزار تومان شده؟ گوشت ران بی چربی گوسفند نیم میلیون و گوساله ۳۸۰ تا ۴۰۰ هزار تومان است

امروز با خانم رفته بودم یک بازار بزرگ در کرج. قبلا که می رفتیم آنجا جای سوزن انداختن نبود، ساعت ۲ بعد از ظهر جمعیت حاضر ۶۰ نفر بیشتر نبود که آنها هم مانند ما با دهان باز و چشم های از حدقه درآمده مشغول دیدن برچسب قیمتها بودند و ندیدیم جز چند نفر کسی خریدی کند. پریروز رفتم لیبیات فروشی محل مان کمی پنیر خواستم کمی بیشتر از مقداری که می خواستم شد. گفتم کم اش کن، فروشنده گفت ببری به نفع است، فردا بیایي گران می شود

خانمی آمد ما کارونی خواست فروشنده گفت ندارم رداش کرد. گفتم ماکارونی چرا کمیاب است و قیمت اش دو سه برابر شده، به شوخی گفت از وقتی علم الهدی از مردم خواست بجای مرغ اشکنه میل کنند. تخم مرغ که گران شد اشکنه هم گران شد، برنج که گران شد ماکارونی هم گران شد. تقاضا زیاد شد تولید و عرضه ماکارنی گران شد و کمیاب

همسایه چند خانه آن ورتر مان را در صف اتوبوس دیدم گفتم ماشین ات را فروختی؟ گفت نه چطور مگر؟ آخه این جا می بینمت، گفت خراب است قیمت اش ۵۰۰ میلیون رفته بالا ولی خرابه، احتیج به تعمیر دارد، خرج تعمیراش گفتند ۹۰ میلیون می شود نداشتم خواباندم اش بیرون خانه

همسایه های ما اکثرا خانه دارند و از طبقه‌ای که دست شان به دهان شان می رسید بودند. خانه و ماشین دارند، اما باور کنید خیلی هایشان پول پرداخت آب و گاز و عوارض و هزینه های خانه شان را ندارند. اکثرا بچه بزرگ دارند که پیش شان زندگی می کنند. من خودم ۳ فرزند ۲۵ تا ۳۵ ساله دارم هر سه تحصیل دانشگاهی دارند ولی هیچ کدام شان کار درست و حسابی ندارند مجبورم آنها را در خانه جا بدهم. خودشان هم احساس خوبی ندارند

قیمتها به صورت روزانه بالا می رود. بهمین خاطر خیلی از کسبه جنس هایی را که دارند نمی فروشند. می گویند می ترسم امروز بفروشم فردا همین ها را مجور شوم گرانتر بفروشم. هفته پیش به یک سوپر



نام خانوادگی، نام

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران
دانش‌آموزان عزیز، فرهنگیان گرامی و مردم شریف ایران
شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران، سال‌هاست که نسبت به ناکارآمدی حاکمیت در
زمینه‌ی آموزش و پرورش هشدار می‌دهد اما علیرغم این هشدارها، هیچ نشانه‌ای از تغییر مشاهده
نمی‌شود.

مسمومیت دانش‌آموزان، شاهد آن هستیم بخش دیگری از این ناکارآمدی و #آنچه امروز در ایران با عنوان
این بار در حوزه‌ی امنیتی و مراقبت‌های اجتماعی است، و این در حالی‌ست که سال‌هاست ساختار
سیاسی حاکم، به بهانه‌ی وجود امنیت بر سایر معضلات موجود سرپوش گذاشته است
گسترده‌ی مدارس مورد تهاجم و تعداد زیاد دانش‌آموزان آسیب دیده، نشان می‌دهد که پروژه اقدامات
خودسرانه از سوی وابستگان ایدئولوژیک حاکمیت، به شدت مورد تردید است. به ویژه آنکه تاکنون هیچ اقدام
موثری در جهت جلوگیری از تهاجم به محیط مدارس و خوابگاه‌های دانشجویی صورت نگرفته است. اگر
فرهنگیان و افشار مختلف اجتماعی در مقابل این تهاجم سیستماتیک به ساحت آموزش مقاومت نکنند،
یقیناً شاهد اعمال به مراتب خشونت‌بارتری در سطح جامعه خواهیم بود
شورای هماهنگی به منظور پیشگیری از رفتار خشونت‌بار مسموم‌سازی دانش‌آموزان از حاکمیت می‌خواهد
به هیاتی از فعالان مدنی، صنفی و سیاسی مستقل به همراه جمعی از پزشکان و اساتید متخصص و
وکلا حقوق بشری اجازه بررسی همه‌جانبه‌ی موضوع مسمومیت‌سازی مدارس بدهند تا حقایق و
واقعیت‌ها به صورت شفاف بررسی و نتیجه‌ی آن به اطلاع مردم ایران رسانده شود
در ادامه، خواسته‌های تشکل‌های صنفی فرهنگیان و جمع حاضر به این شرح اعلام می‌شود
ما معترضین، حاکمیت به ویژه دستگاه‌های امنیتی و قضایی را مسئول حفظ جان شهروندان، ۱-
دانش‌آموزان و معلمان می‌دانیم و سریعاً خواهان کنترل اوضاع و پایان دادن به سرکوب بیولوژیک و تهدید جان
شهروندان به ویژه دانش‌آموزان هستیم
معلمان، ایستادن در کنار مردم را بزرگترین افتخار خود می‌دانند و از دستگاه‌های پروپاگاندا به ویژه صدا و
سیما می‌خواهند که دست از تفرقه‌افکنی میان معلمان و سایر افشار جامعه بردارند
ما از حاکمیت می‌خواهیم که مطالبات فرهنگیان را به مطالبات معیشتی صرف و ویژه‌ی معلمان تقلیل
ندهند، زیرا خواسته‌ی ما اجرای قوانینی است که متضمن اصل آزادی انسان است
شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران در رابطه با رویه‌ی ناصواب و خارج از هنجار ۴-
مولدسازی و در قالب آن فروش مدارس و اموال عمومی آموزش و پرورش به حاکمیت اکیدا و صریحاً هشدار
می‌دهد. حاکمیت باید بداند که حق ندارد اموال عمومی متعلق به مردم را به حراج بگذارد
ما از مسئولان می‌خواهیم که بیش از این معلمان را ملعبه‌ی طرح نامیمون رتبه‌بندی نکنند و از رفتارهای ۵-
غیرقانونی و حتی غیراخلاقی در اجرای رتبه‌بندی دست بردارند
ما تاکید می‌کنیم که حاکمیت نباید هیات‌های رسیدگی به تخلفات اداری را به مثابه دستگاه سرکوب ۶-
علیه کارکنان و کارگران به کار بگیرد
ما خواهان اجرای کامل همسان‌سازی حقوق بازنشستگان و افزایش حقوق سالانه بر مبنای نرخ تورم ۷-
هستیم
برنامه درسی باید متناسب با دانش روز، کودکان را برای زندگی آماده کند. لذا هرگونه سواستفاده از ۸-
کودکان برای تحقق اهداف جناحی، سیاسی و ایدئولوژیک را به شدت محکوم می‌کنیم
ما از حاکمیت می‌خواهیم که به حبس دانش‌آموزان در کانون‌های اصلاح و تربیت پایان دهد و معلمان و ۹-
دانش‌آموزان زندانی را آزاد کند و دانش‌آموزان و دانشجویان ستاره‌دار، زندانی و معلمان اخراج شده، تبعید
شده، منفصل از خدمت و زندانی را به کلاس درس برگرداند
در پایان تاکید می‌کنیم تا زمانی که خواسته‌های حداقلی ما محقق نشود اعتراضات ما با قدرت بیش تر و
متحدتر از همیشه ادامه خواهد داشت
شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران

۱۶ اسفند ۱۴۰۱



عکسی از تظاهرات عظیم کارگران و حقوق بگیران و حامیان آنان علیه افزایش سن بازنشستگی در ۷ مارس



اعتراض بازنشستگان مخابرات به عدم توجه به مطالباتشان
بازنشستگان مخابرات در شهرهای تهران، خوزستان، خراسان رضوی، تبریز، اصفهان و
کرمانشاه تجمع کردند.
به گزارش خبرنگار ایلنا، بازنشستگان مخابرات در برخی شهرها صبح امروز، ۱۵ اسفند، در
اعتراض به بی‌توجهی مخابرات ایران به مطالباتشان تجمع کردند





۸ مارس روز جهانی زن بر زنان و همه انسانهای برابری خواه و آزاده و همه آنانی که طی بیش از یک قرن در این راه تلاش و پیکار کرده‌اند. از زنان کارگر نساج نیویورکی، کلارا زتکین زن سوسیالیست آلمانی و از بانیان روز جهانی زن تا ژینا امینی که علیه تبعیض مزدی و جنسیتی قیام کردند، خاصه زنان آزاده، و مبارز ایرانی و بر پا دارندگان، جان باختگان و ادامه دهندگان جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی و مبارزان جنبش زنان مبارک باد

***برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

sabosob@gmail.com

***"جنگ کارگری" نشریه گروه کارگری حزب چپ ایران (فداییان خلق) را می توانید**

در آدرس زیر ببینید:

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>